

جناب ذوالجلالی با صفا،

از اینکه اظهار علاقه نموده و وارد این بحث شده اید خوشحالم. البته من دیگر نظری به ادامه این بحث نداشتم. چند سالی است که با آقای امینی تبادل نظر کرده ام و شاید ایشان خودش هم به این نتیجه رسیده باشد. ولی چون دیدم شما با چنان شوری به دفاع از خیالات آقای امینی پرداخته اید که وصف آن قابل تصور نیست چند مطلب کوتاه خدمتتان معروض می دارم.

پدیده های اجتماعی معلول ده ها انگیزه است. بدین جهت انقلاب مشروطه ایران هم ریشه در علل مختلف داشته. از قبیل تفکرات سوسیال دموکراسی قفقاز، پیرم ارمنی، گروه های سوسیال دموکرات در ایران، ستار خان و باقر خان تبریزی، سران ایل بختیاری و ایرانیانی که در خارج تحصیل کرده بودند و بالاخره روحانیون خوش ضمیری نظیر ملا کاظم خراسانی و طباطبائی تا روحانیون فرصت طلبی چون بهبهانی و بالاخره تجار بازار که مورد تجاوز هیئت حاکمه قرار گرفته بودند و تجاوزات روحانیون تمامیت خواه و استبداد قاجار دست به دست هم داد و موجبات انقلاب مشروطه را فراهم کرد.

البته نباید نقش سید باب را در روشنگری ذهن مردم نادیده انگاشت. این مسئله باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. (شما به مقاله ای در سایت www.ohamzodai.com درج گردیده نگاه کنید. در آنجا نقش بابیان در انقلاب مشروطه مورد توجه قرار گرفته.) در این که عده ای بایی که به زلی معروف شدند در انقلاب مشروطه نقش داشته اند شکی نیست. ولی انقلاب مشروطه را حاصل تفکرات ازل و ازلیان دانستن و انگیزه آنان را لطمه زدن به بهائیان معرفی کردن کاری است نادرست، از نظر تاریخ اشتباه و برای جامعه بهائی خطرناک.

شما و آقای امینی از ابعاد فاجعه مثل اینکه بی خیر هستید. شما از «مدارک مستدل و غیر قابل انکار» از آقای امینی یاد می کنید. این مدارک کدام هستند؟ من با تمام آثار آقای امینی در این زمینه آشنایی دارم، ولی تا کنون هیچ مدرکی خدا پسندانه که هیچ، بنده پسندانه هم ارائه نداده اند. ایشان نظیر شیخ احمد احسانی خواب می بیند و در عالم رویا به ایشان الهام می شود که فلان شخص ازلی است. من اگر ادعا کنم شما و آقای امینی هر دو ازلی هستید چه مدرکی می توانید ارائه بدهید که ازلی نیستید؟ شما این مدرک را نشان بدهید من هم با همان مدرک به شما خواهم گفت که آقایان «تقیه کرده اند و ازلی هستند.»

آقای محترم، شما از گروه های مسلمان و مسیحی و صحرای کربلا و تفتیش عقائد حرف می زنید. آقای محترم، همه گروه های مسیحی به پسر خدا بودن مسیح و مقدس بودن مریم و فداکردن مسیح برای بخشیدن گناه بشر و به آسمان رفتن او عقیده دارند. گروه های مسلمان هم به پیغمبری محمد و خاتم النبیین و شریعت اسلام معتقد هستند. بحث شما اگر اجازه بدهید خدمت شما عرض کنم که در این زمینه پریشان گویی است. کدام یک از این به اصطلاح ازلیان به تفکرات ازل استناد کرده اند؟ آقای امینی معتقد است که هر که بایی بوده و بهائی نشده حتماً ازلی است. نه، و باز هم نه! حضرت آقا، اینطور نیست و این تنوری غلط است.

شما از تقیه بابیان اسم می برید. بنده هیچ گاه ازلی بایی نگفتم اما اگر بابیان تقیه می کردند که سراسر تاریخ و تفکرات شما آبکی می شود. مگر تاریخ بایی نمی گوید صدها نفر به خاطر اینکه تقیه نکردند کشته شدند؟؟

آقای محترم، برای دفاع از تزی نباید به بی راهه رفت و حرف غیر منطقی زد و تاریخ جنبش بایی را خدشه دار کرد. بهاءالله در نامه به ناصر الدین شاه تیر اندازی به شاه را بد می داند. شوقی افندی بابیان را دوستان نادان می خواند. شما هم برای اینکه به خواب و خیال ردای واقعیت بپوشانید با شهادت می فرمائید چه اشکالی دارد که میرزا رضا ازلی نامیده شود یا بایی نامیده شود؟ میرزا رضا کرمانی مسلمانی است متعصب و همه جا و در همه احوال به مسلمان بودن خود اعتراف کرده است. او به خاطر تجاوزاتی که از طرف حاکم تهران به او شده بود تصمیم به کشتن او می گیرد. شاه تصادفاً در آن روز مورد سوء قصد قرار می گیرد. آیا می توان قبول کرد چون میرزا رضا کرمانی سفری به استامبول رفته است باید او را ازلی دانست؟ در همان لحظه که شاه کشته شد به تصور اینکه قاتل بایی است ورقا و روح الله در زندان کشته می شوند. اگر قاتل بایی بود در آن روز جامعه بایی بسی سنگین بابت آن می پرداخت.

اما در زمینه صحرای کربلا و تفتیش عقائد، این حرفها سرهم کردن چه ربطی به بحث ما دارد برای من نامعلوم است. باز تکرار می کنم که ازل نه فکری داشته و نه نقشی در انقلاب مشروطه و نه در هیچ جای دیگر. شاید شما نمی خواهید بدانید یک نفر که تنوری پرداز و فعال در یک جنبش اجتماعی باید حرف برای گفتن داشته باشد. آقای امینی کوچکترین مدرکی که دلالت به رهبری ازل از کسانی که وی به عنوان ازلیان معرفی می کند، ندارد.

آقای محترم، باید خدمت شما عرض کنم که شما به اختلاف خانوادگی توجه نفرموده اید. اختلاف خانوادگی بین بهائیان و ازلیان است، نه برادر نیم تنی و تنی و آن حرفها که شما تصور کرده اید. اگر شما تا به امروز توجه نکرده اید:

استدلال آقای امینی بر این پایه است که چون ازلیان با بهانیان بد بوده اند در انقلاب مشروطه شرکت کرده اند تا به بهانیان لطمه بزنند. این ادعا در اصل و اساس بی پایه و نادرست است. و یا اینکه آنها خواسته اند انتقام خون باب را بگیرند. این انتقام را از چه کسی می خواستند بگیرند؟ به شما توصیه می کنم اگر در راه تحقیق قدم می گذارید از پیش داوری بپرهیزید. من همانطور که با اوهام و خرافات مسلمانان مخالفم با اوهام و خرافاتی هم که بعضی از بهانیان اعتقاد دارند سخت مخالفم.

هیچگاه ادعا نمی کنم که تنها حرف من درست است. همیشه آماده یادگیری هستم و اگر از کسی جمله ای یاد بگیرم از او تشکر می کنم. به خطاها و اشتباهات فکری خود اقرار می کنم و در پی اثبات نظریاتم با آسمان و ریسمان به هم دوختن نیستم.

با تقدیم احترام.
۲۶- ماه اوت - ۲۰۰۷